

”

به گمانم به خاطر همین دقت بود که در نفت هم خیلی به شما اعتماد شد.

ما در سال‌های ۷۵ تا ۷۹ بیشتر از ۱۵۰ قلم توربین برای شرکت نفت طراحی کردیم. اتفاقاً توربین‌هایی که می‌خواستیم، توربین‌های ایرباس بود که در شرکت نفت استفاده می‌شد. با دو دستگاه ساده‌ای که در کارگاه داشتیم، اینها را ساختیم.

سال ۷۹ بعد از ساختن قطعاتی که گفتم، از شرکت نفت یک توربینی سفارش دادند که در آسیا نمونه نداشت. به من که گفتند مغزم سوت کشید. واقعاً تکنولوژی حساسی داشت و اگر درست کار نمی‌کرد خرابی زیادی به بار می‌آورد. می‌خواستیم پیشنهادشان را رد کنم ولی نمی‌دانم چه شد که پذیرفتم. به خاطر اینکه نیاز به نقشه خاصی داشت در زمانی که دلار حدود دویست تومان بود، من دویست هزار تومان دادم تا نقشه‌اش را یکی از شرکت‌های همکار برایم بکشد.

می‌خواستیم کار را با نقشه تمیز و دقیق تحویل بدهم. در نهایت طوری ماشین‌کاری کردم که تکه‌هایی که من ساخته بودم را می‌گذاشتی روی تکه‌های فابریک کاملاً به همدیگر می‌خورد و می‌شد یک قطعه کامل. همان سال در مجله مشعل نوشتند: «این قطعه برای اولین بار در خاورمیانه، به همت شرکت پارس فولاد، ساخته شد.» قیمت این قطعه در خارج از کشور ۲۰ هزار دلار بود که ما نیمی از آن قیمت را گرفتیم.

مثل توپ صدا کرد.

دقیقاً پادم است خود شرکت ایوت، سازنده اصلی، در یک سمینار نفت سه تا نماینده داشت. این سه نفر را فرستاده بودند اینجا که ببینند چه کسی این قطعه را ساخته. آدرس شرکت ما را که پیدا کردند، آمدند سراغ ما. دفتر من یک زیر پله بود که دو تا ماشین تراش هم داشت. وقتی گفتم با این تراش‌های ساده درستش کردم باور نمی‌کردند. من هم از نبوغ ایرانی‌ها برایشان می‌گفتم. نقشه را که دیدند داشتند دیوانه می‌شدند. گفتند: «میشه اینا رو ببریم؟» من هم گفتم: «مال خودتون. ما از شما کپی کردیم.» مخصوصاً دادم که ببرند، در شرکتشان و همه ببینند بچه‌های ما چقدر نابغه‌اند.

بعداً اوضاع کار چطور بود؟

کم‌کم که وارد دهه ۸۰ شدیم، تحریم‌های نفتی شروع شد. خیلی پروژه‌های بزرگی به ما دادند، به عنوان مثال یک بار قرار بود یک شرکت

فرانسوی تجهیزات امریکایی را برای ما خریداری کند و بدهد و من مسئول مونتاژ کردن آن در ایران بودم. تحریم هم بودیم. موعد تحویل که شد، شرکت فرانسوی به قولش عمل نکرد و تجهیزات را نداد. مانده بودم، چکار کنم. از طرفی قرارداد بسته بودم و باید پای قرارداد می‌ماندم؛ از طرفی هم تجهیزات نداشتیم. به سرم زد، خودم تجهیزات را بسازم. چند روز تلاش کردم. هرکس به طعنه چیزی می‌گفت و می‌رفت. از نظر روحی حالم خراب بود. تازه هم ازدواج کرده بودم. آن قدر مشوش بودم که به خانواده هم نمی‌رسیدم. حرف بقیه را گوش ندادم. تلاشم را کردم. گوشتم آب شد اما توانستم و در کل ما قطعه سازها توانستیم جای خارجی‌ها را پرکنیم. بعد از آن هم که سال‌هاست در همین راه کار می‌کنم.

هنوزم هم در این راه هستید...

تمام این سال‌ها که خارجی‌ها نبودند، ما بودیم و ما هستیم و خودکفاییم. الان هم که می‌بینید بدون نیاز هیچ کشور دیگری داریم نفعمان را می‌فروشیم.

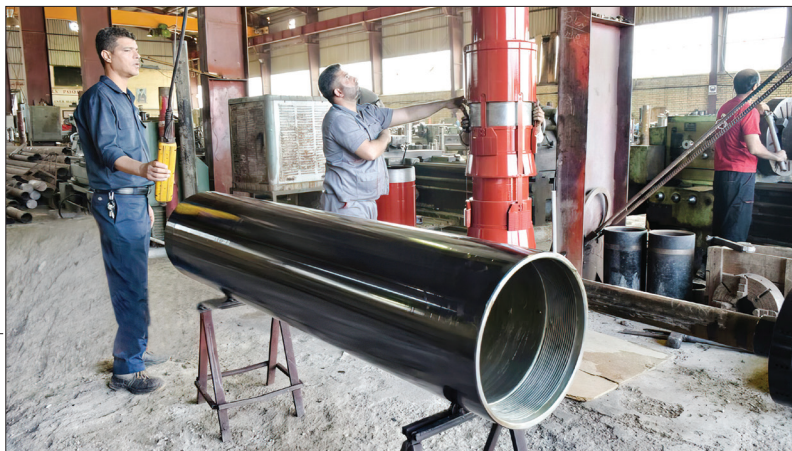
ان شاء الله که برقرار باشید.

خیلی ممنونم.

لطف کردید که ما به گفت‌وگو

نشستید.

خواهش می‌کنم، ممنون از شما.



”

تمام این سال‌ها که خارجی‌ها نبودند، ما بودیم و ما هستیم و خودکفاییم.